

ماهنامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران



دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران

درود به خاطرۀ تابناک شهیدان

روز ۱۴ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی رهبر زحمتکشان ایران، روز یاد کرد از خاطرۀ گرامی و تابناک شهیدان حزب و جنبش است. باین مناسبت از قهرمانانی که برای تأمین آزادی و استقلال کشور خویش مرگ را پذیرا شدند یاد کنیم و با الهام از این قهرمانان شهید، مبارزۀ خود را علیه تسلط امپریالیسم و ارتجاع فزونی بخشیم. بیاد زندانیان سیاسی اعم از توده ای و غیر توده ای که در چنگال دژخیمان اسیرند باشیم و همه امکانات خویش را برای یاری رساندن به خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی بکار اندازیم:

صد و بیست پنج سال از انتشار مانیفست می گذرد

بیان داشته اند در نقطه مقابل تنگ نظری و محدودیت و عزلت جوئی ناسیونالیستی بورژوازی است. انترناسیونالیسم یعنی مبارزه نه تنها برای خلق خویش، بلکه برای همه انسانیت، احساس مسئولیت نه تنها در باره طبقه کارگر کشور خود، بلکه در مقابل طبقه کارگر همه کشورهای، احترام به حقوق همه طبقات زحمتکش و همه خلقهای ستمدیده جهان.

بورژوازی اتفاقاً نسبت باین دو اصل انقلابی بودن و انترناسیونالیست بودن در تمام حیات خود دشمنی و کینه سوزان ورزیده و کماکان با این دو اصل با تمام هاری و درندگی مبارزه میکنند، ولی بیفایده است. حقیقت راه خود را به پیش میکشاید.

مارکس و انگلس در مانیفست اصل اتحاد کلیه نیروهای خواستار سوسیالیسم و رهایی از اسارت سرمایه را یاد آور شده اند. اصلی که در دوران ما اهمیت شگرفی کسب کرده است و در عین حال انواع سوسیالیسم غیر پرولتاری و از آن جمله سوسیالیسم خورده بورژوازی را که میخواست نظام صنفی را در ده و نظام پدر سالاری را در کارخانه ها پدید آورد افشا نموده اند. این شعارها نیز امروزه اهمیت و فعلیت خود را حفظ کرده است، زیرا سفسطه در معنای سوسیالیسم و ایجاد الگو هائی از نوع «سوسیالیسم با اقتصاد بازار»، «سوسیالیسم با چهره انسانی»، «سوسیالیسم سرباز خانه ای» که در آن سکاندار کبیر اراده خود را بر اتباع مطیع تحمیل میکند و انواع دیگر، در زمان ما رائج است. سوسیالیسم بمعنای علمی این کلمه و بعنوان فاز اول جامعه کمونیستی، از رشد یر توان نیروهای مولده، از ایجاد سطح عالی رفاه عمومی، از گسترش نیرومندی دانش و هنر، از بسط دموکراسی سوسیالیستی، از تعقیب سیاست صلح و هزیستی جدا نیست.

«مانیفست» از نخستین کتبی بود که بوسیله مارکسیستهای ایرانی در سالهای ۲۰

در ماه فوریه صد و بیست و پنج سال از انتشار «مانیفست حزب کمونیست» نوشته بنیادگذاران بزرگ سوسیالیسم علمی، مارکس و انگلس میگذرد. تاریخ این صد و بیست و پنج سال نشان میدهد که «شرح» کمونیسم که بگفته مارکس و انگلس در آن دوران که گاه در صحنه اروپا ظاهر میشد، اینک به پهلوان بهادر و نیرومندی مبدل شده است که بیش از پیش نقش قطعی در تاریخ ایفا میکند و «اتحاد مقدس» نیروهای ارتجاعی از محو آن بکلی عاجز و نومید شده اند.

«مانیفست حزب کمونیست» کتاب بالینی نسلهای مختلف انقلابیون عصر ما و مهمترین اثر انقلابی تاریخ انسانیت است که نقشی شگرف در تحول عقول و قلوب بازی کرده است. بیش بینیهای داهیانۀ این کتاب بوقوع پیوسته و بوقوع می پیوندد. بورژوازی هزار ها کتاب در رد احکام علمی این اثر کوچک ولی دورانساز نوشته است که آخرین آنها «مانیفست غیر کمونیستی» والت ویتن رستو اقتصاددان امریکائی است ولی هنوز چندسالی نگذشت که این آثار سفسطه آمیز و دروغ آگین فراموش شد ولی «مانیفست» پا برجا است و بیش از پیش میدرخشد و خواهد درخشید.

دو اصل مهم که در مانیفست بیان و مستدل شده، یکی عبارت است از «روش انقلابی» و دیگری «انترناسیونالیسم».

روش انقلابی یعنی هدفهای نهائی طبقه کارگر را (که محو استثمار انسان از انسان است) مقصد نبرد قرار دادن و به رفورها و اصلاحات محدود و تنگ میدان بسته نکرده. روش انقلابی یعنی با پیگیری، شکل، انضباط، سرسختی، جسارت این هدف را در رزمهای مختلف دنبال کردن و به انحرافات چپ و ماجراجویانه و راست و تسلیم طلبانه، تن در ندادن.

اما انترناسیونالیسم که مارکس و انگلس آنرا در شعار «رنجبران جهان یگانه شوید!»

اظهاریه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در باره خرید هنگفت تازه اسلحه از امریکا

پرداختها و بازرگانی خارجی خود را بدوش دیگران بیاندازد. هیئت حاکمه ایران در این امر یار و مدد کار اوست. چندی پیش ژرف سبیسکو معاون وزارت امور خارجه امریکا در مقابل کنزیر این کشور گفت که ایران و عربستان سعودی باید با خرید اسلحه به اقتصاد امریکا کمک کنند. ما اکنون با اجراء نوبتی این نقشه از طرف دولت ایران روبرو هستیم.

نظیر چنین خرید کلانی، البته بمیزان محدودتر، سال گذشته از انگلستان بعمل آمد. روزنامه انگلیسی دیلی اکسپرس در شماره ۱۵ ژوئن ۱۹۷۲ خود نوشت که اراده شاه ایران بر آن قرار گرفته است که ایران طی دهسال آینده بهترین مشتری بریتانیا برای خرید اسلحه باشد.

قبول این تمهیدات ضد ملی و اجراء آنها وارد کردن ضربات سنگین بانقتصاد کشوری در حال رشد است که بهیچوجه نیازی به انبار کردن سلاح امریکائی و اصولاً دست زدن به سیاست جنون آمیز تسلیحات و تشدید نظامیگری ندارد.

دولت ایران میخواهد این اقدام را بوسیله دعاوی مجهول و بی پایه در باره اینکه گویا خطری ایران را تهدید میکند و گویا ایران باید رسالت خاصی را در این منطقه انجام دهد توجیه کند. این توجیحات سرا پا بی معنی است. در جهان کنونی که بسوی صلح و همزیستی میروند هیچ خطری ایران را جز غارتگری امپریالیستی تهدید نمیکند. بر عکس و موافق شهادت واقعات این مرتجعترین محافل هیئت حاکمه ایرانند که میخواهند

دنباله در صفحه ۳

موافق اطلاع رسمی منتشره درواشنگتن، که یک سلسله از خبر گزاریهای خارجی نیز آنرا انتشار داده اند، دولت ایران دست به اقدام تازه ای در جهت خرید مقادیر هنگفت و بیسابقه ای اسلحه زده است. این اطلاع حاکی است که ایران بنا بر اظهار محافل وزارت جنگ امریکا مبلغ دو میلیارد و صد میلیون دلار و بنا باظهار محافل سنای امریکا مبلغ سه میلیارد دلار اسلحه از ایالات متحده امریکا خریداری کرده است و تعداد ۳۰۰ متخصص امریکائی بنا بر خواست شاه ایران برای آموختن کاربرد این اسلحه در ماههای آینده بایران میآیند. مقامات رسمی وزارت جنگ امریکا گفته اند که این بزرگترین معامله یکباره اسلحه است که پنتاگن تا کنون انجام داده است. دولت در باره این واقعه سکوت کرده است زیرا خود میداند که این عمل ضد مصالح ملی چه اندازه میتواند خشم عمومی را برانگیزد.

مبلغ دو میلیارد و صد میلیون دلار یک رقم نجومی است و برای اقتصاد ایران اهمیت فوق العاده و حیاتی دارد. کافی است بعنوان مثال بگوئیم که با این رقم ایران میتواند هفت کارخانه عظیم ذوب آهن در عرض چندسال تأسیس کند. کافی است بگوئیم که این رقم بیش از چهار برابر کل بودجه سالانه وزارت آموزش و پرورش است یعنی در واقع بودجه چهار ساله آموزش و پرورش کشوری که بیش از همه به دبستان و کود کستان و آموزش کار و کتاب و مبارزه با بی سوادی نیازمند است، با یک چرخش قلم بیای سوداگران اسلحه امریکائی ریخته میشود. امپریالیسم امریکا میخواهد اسلحه خود را بفروشد و بار بحران اقتصادی و کسری موازنه

نویسندگان ماهنامه «مردم» جشن باستانی نوروز، جشن آغاز رستاخیز بهاری، جشن پیروزی کاوه آهنگر بر ضحاک ستمگر را که از سنن دیرین و پیر مضمون مردم کشور ما است بهمه خوانندگان گرامی و هم میهنان عزیز شاد باش میگویند و پیشرفت روز افزون آنها را در نبرد بخاطر صلح، دموکراسی، ترقی و رفاه عمومی از صمیم قلب خواستارند.

تضاد های اردو گاه امپریالیسم شدید تر می شود

افق های تازه ای برای مبارزه و پیروزی خلق ها گشاده میگرد

تضاد های جهان سرمایه داری

در جهان کنونی سه رشته تضاد اصلی گرم تأثیر است :

اول تضاد بین کار و سرمایه که خود بدو شکل عمده بروز میکند : بشکل تضاد ما بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی و نیز بشکل تضاد بین جنبشهای انقلابی کارگری کشورهای سرمایه داری و بورژوازی این کشورها ؛

دوم تضاد بین کشورهای امپریالیستی و جنبش رهایی بخش و ضد امپریالیستی جهان سوم که آن نیز در دوران ما اشکال مشخص گوناگونی بخود گرفته است ؛

سوم تضاد بین خود کشورها و انحصار های امپریالیستی .

در میان این سه رشته تضاد ، تضاد عمده تضاد کار و سرمایه است که بویژه بصورت تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم بروز میکند .

مارکسیستها همیشه بر آن بودند که این سه رشته تضاد که در میان خود پیوند و تأثیر متقابل دیاکتیکی دارند ، تحول حوادث تاریخ را در جهت رهایی کار از سرمایه ، رهایی خلقهای ستمدیده از بند استعمار و نو استعمار و فروریختن سیستم ستبرانه امپریالیستی ، تعیین میکنند . حوادث کلا و تماماً صحت این احکام را تأیید کرده است .

در دوران پس از جنگ دوم جهانی ، جهان امپریالیستی بسرکردگی امپریالیسم ثروتمند و متفرعن امریکا تصور کرد که توانسته است کلید معجز آسای نجات خود را از بحران بیابد و بویژه تضاد های درونی خود را حل کند . سردمداران امپریالیسم جهانی از قبیل چرچیل و جان فوستر دالس کوشیدند تا جهان امپریالیستی را در زیر پرچم آنتی کمونیسم گرد آورند و مدعی شدند

که گویا « تمدن مسیحی غرب » و « وجوه مشترک کشورهای ساحل اقیانوس اطلس (آتلانتیس) » ، مینای واقعی و عینی برای اتحاد پایدار این کشورهاست . روشن است که همه اینها لفاظی برای فریب خوشبواران بود . در واقع اصل مطلب بر سر آن بود که امپریالیسم دلار میخواست با استفاده از ضعف حریفان دیگر امپریالیستی خود که در نتیجه جنگ دوم جهانی روی داده بود ، تسلط خویش را بر جهان برقرار کند . امپریالیسم انگلستان در این زمینه ، بشوق نجات « امپراطوری » فوتوت ، نزدیکترین متحد او بود . کار بجائی رسید که دالس سیاست تبعیت از امریکا را تنها محور قضاوت شمرد و حتی روش بیطرفی را « مخالف اخلاق » خواند و صحبت « حکومت جهانی » که امریکا می بایست در آن نقش قاطع را ایفا کند بمان آمد . همان طور که امپراطوران آرمند روم قدیم با آتش و شمشیر باصطلاح « صلح رومی » (پاکس رومانا) دایره کرده بودند ، امریکا نیز میخواست « صلح امریکائی » (پاکس امریکانا)

در جهان دایره سازد یعنی جهانی که در بست در زنجیر دلار است ! دالس با پیش کشیدن استراتژی « قصاص متراکم آتمیک » و « شانتاژ اتمی » و با اتخاذ سیاست « بازی بر لبه پرتگاه جنگ » میخواست کمونیسم را باصطلاح « به عقب بطلاند » . بادعای ایدئولوگوهای امپریالیستی امریکا ، کمونیسم که گویا یک سیر ناپهناجر و غیر نورمال در رشد طبیعی انسانی است ، میبایست در حلقه محاصره « جنگ سرد » ازمیان برود و جهان وجهانیان به « شیوه زندگی امریکائی » روی آورند ! چنین بود رؤیاهای پلانی امپریالیسم امریکا برای تأمین وحدت درونی جهان سرمایه داری در زیر پرچم دلار !

امروز از این رؤیاهای ویرانه های رقت انگیزی بر جای مانده است . گر چه رؤیا بافان آنرا ترک نکرده اند و کماکان تقلائی خود را ادامه میدهند ، ولی محافل واقع بین تر کشورهای سرمایه داری بی دور نمائی این نوع تقلاها را کمابیش درک میکنند .

مرحله کنونی بحران عمومی سرمایه داری

سیستم سرمایه داری جهانی مدتهاست دچار یک بحران عمومی است که نه فقط عرصه اقتصاد ، بلکه عرصه سیاست را هم در بر میگیرد . بحران عمومی سرمایه داری از جنگ اول جهانی شروع شده و یکی از نتایج مهم مرحله اول آن انقلاب سوسیالیستی اکبر و تشکیل حکومت شوروی ، نخستین دولت سوسیالیستی جهان بود . مرحله دوم این بحران با جنگ دوم جهانی آغاز میگردد که منجر به شکست فاشیسم و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی گردید . مرحله سوم این بحران بدون جنگ در سالهای پنجاه آغاز شد که منجر به فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی و پیدایش یک رشته کشورهای نو استقلال در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین گردید . این مرحله کماکان ادامه دارد و بحران عمومی تعمیق میشود .

ایدئولوگوهای امپریالیستی در دوران پس از جنگ دوم جهانی اعلام داشتند که توانسته اند راز غلبه بر بحرانهای اقتصادی سرمایه داری را بیابند و دیگر قادرند اقتصاد بی بحران ، جامعه اشتغال کامل و رشد اقتصادی مستمر را تأمین کنند . برخی موفقیت های اولیه در دهه پنجاه و نیمه اول دهه شصت که خود ناشی از رفع مشکلات و ویرانیهای پس از جنگ و استفاده از دستاوردهای انقلاب علمی و فنی بود ، آنها را بکلی گیج و پر مدعا و از خود راضی ساخت . امروز خواندن ادعاهای ظفرمندانان آنروزی سیاست مداران و ایدئولوگوهای سرمایه داری مایه خنده است .

مارکسیست - لنینیستها از همان سالهای اول پس از جنگ دوم جهانی بیان میدیدند که « تثبیت » سیاسی - اقتصادی سرمایه داری کاملاً موقت است و ناشی از آنست که موقتاً

رقبائی مانند آلمان و ژاپن در اثر شکست تضعیف شده و از صحنه رقابت خارج شده اند و اروپای غربی و ژاپن به « جیره خوار » امپریالیسم دلار مبدل گردیده اند . از نیمه دوم سالهای ۶۰ ، بحران اقتصادی سرمایه داری بصورت تورم مزمن ، تزلزل ارزی ، ترقی سرسام آور قیمت ها ، بسط بیکاری ، مشکلات به بازار یابی و جنگ بازرگانی بین امپریالیستها با حدت بی ش از گذشته بروز کرد . « وحدت » نیم بند دالسی دوران پس از جنگ از هم پاشید . فرانسه ، ژاپن ، کانادا ، آلمان غربی و دیگر کشورهای امپریالیستی غرب بتدریج برای صف آرائی در مقابل رقابت امپریالیسم امریکا آماده شدند . تضاد های داخلی اردو گاه امپریالیستی باشدتی بی سابقه ای منفجر شد .

تضاد اردو گاه امپریالیستی

اشکال و انگیزه های آن

تضاد اردو گاه امپریالیستی بصورت تضاد بین کشورهای امپریالیستی (واکنش) بطور عمده بین امپریالیسم امریکا و بازار مشترک اروپای غربی و ژاپن (تضاد در درون کشورهای امپریالیستی) (ما بین گروههای مختلف انحصارها و گروه بندیهای سیاسی وابسته باین انحصارها) و نیز تضاد بین سرمایه داری کشورهای در حال رشد که وابسته به سیستم امپریالیستی است و سرمایه داری امپریالیستی بر سر تقسیم محصولات غارت ، بروز میکند .

انگیزه اساسی بروز و شدت نوبتی این تضادها ، همان قانون عام ناموزونی رشد سرمایه داری و در نتیجه حاد شدن مسئله بازار فروش کالا و سرمایه گذاری است . در نتیجه انفکاک یک سلسله از کشورهای سرمایه داری پس از جنگهای اول و دوم جهانی از سیستم جهانی سرمایه داری و تبدیل آنها به کشورهای سوسیالیستی ، بازار جهان شمول سرمایه داری ازمیان رفت و عرصه آن بازاری هم که در اختیار سرمایه داری باقی ماند تنگتر شده است .

در نتیجه فروریختن سیستم مستعمراتی امپریالیستی پس از جنگ دوم جهانی ، با آنکه امپریالیسم با تمام قوا کوشیده و میکوشد تا این کشورها را کماکان در زیر رقبه اقتصادی خویش نگاه دارد ، بهر جهت رشد اقتصادی این کشورها در امر تنگتر شدن بازار جهانی امپریالیستی تأثیر داشته است و دارد . امپریالیسم میکوشد تا بطور عمده از سه راه مسئله بازار را در دوران پس از دومین جنگ جهانی برای خود حل کند :

۱ - از راه نظامی کردن اقتصاد ، گذراندن بودجه های سرسام آور نجومی برای ارتش و تسلیحات ، ایجاد مصنوعی محیط و خامت بین المللی و جنگهای محلی برای

توجه این عمل و بکار بردن این تسلیحات . ارتش و تسلیحات روز افزون میبایست مانع این شود که بخشی از صنایع در اثر نداشتن بازار بخوابد یا از سطح تولید خود بکاهد و میبایست به دولت امکان دهد تا با ستاندن مالیات از مردم ، سفارشهای کلان به کسرنهای اسلحه و دیگر رشته های صنایع سرمایه داری بدهد .

۲ - از راه استفاده از دستاوردهای علمی و فنی و ایجاد کالا های تازه و توسعه بازار داخلی جهان سرمایه داری (باصطلاح « انفجار مصرف ») بوسیله رفورها و نیز استفاده وسیع از شیوه سرمایه داری رکلام . در این زمینه سرمایه داری همه نوع کالا ، حتی « هروئین » ، « کالاهای جاسوسی » و « کالاهای سکس » را نیز بازار آورد .

۳ - از راه هم بیوندی اقتصادی سرمایه داری (انتگراسیون) و استفاده متقابل و جمعی از بازارهای جهان امپریالیستی و « جهان سوم » . امپریالیسم میکوشد کشورهای « جهان سوم » را که راه رشد سرمایه داری در پیش گرفته اند به چینه این هم بیوندی امپریالیستی بکشاند .

در واقع باید گفت که ابتکاری باقی نماند که در این عرصه از طرف سرمایه داران بکار نرود ، ولی همه این ابتکارات و تقلاهای رنگارنگ در دوران پس از جنگ نتوانست سرمایه داری را از بروز بحران نجات دهد . روزنامه فرانسوی «اگو» سخنگوی محافل مالی و سرمایه داری فرانسه اخیراً بدرستی نوشت : « دوران ماستمالی ها و وصله کاری شکافها دیگر گذشته است . دوران زلزله های بزرگ فرا رسیده است . »

برخی واقعیات در باره بحران کنونی

چنانکه گفتیم محتوی اساسی بحران اقتصادی کنونی که بصورت بحران ارزی تظاهر کرده است مسئله بازار و جنگ حاد بازرگانی است که بین کشورهای امپریالیستی میگردد . مطلب از اینجا آغاز میگردد . که سهم ایالات متحده امریکا در بازرگانی جهانی بشدت تنزل یافته و حال آنکه سهم رقیب مهمی از قبیل آلمان غربی و ژاپن بالا رفته است . در سال ۱۹۶۵ امریکا ۱۶٫۵ درصد بازرگانی جهانی را در دست داشت . در سال ۱۹۷۲ این رقم به ۱۳٫۸ درصد رسیده است . و حال آنکه در ۱۹۶۵ ، آلمان غربی و ژاپن بشتریب ۹٫۱ و ۱۰٫۹ درصد بازرگانی جهانی را داشتند . و در سال ۱۹۷۲ این ارقام بشتریب به ۱۳ و ۸٫۱ رسیده است . معنی این سخن آنست که امریکا چند سال پیش از جهت بازرگانی خارجی اضافه ای برابر با ۲٫۵ میلیارد دلار داشت و اکنون کسری وی از بابت بازرگانی به ۶٫۴ میلیارد دلار میرسد . امریکا برای آنکه از فرار دلار و تعمیق عدم موازنه بازرگانی خارجی خود جلوگیری کند در عرض ۱۴ ماه دوبار مجبور به دستکاری در نرخ دلار شد . یکبار در دسامبر ۱۹۷۱ و بار دیگر در فوریه ۱۹۷۳ ، انگلستان نیز در ژوئن ۱۹۷۲ مجبور شد نرخ لیره را پایین بیاورد . این اقدامات امریکا برای مقابله بهتر با آلمان غربی و ژاپن و دیگر رقیبان جهان

امپریالیستی است که با استفاده از سد های گمرکی و کار ارزان بر قدرت رقابت آزمایی خود افزوده‌اند و حتی در داخل ایالات متحده آمریکا نیز رقابتی خطرناکی برای کالای آمریکایی شده‌اند. کافی است یادآور شویم که ژاپن سی درصد کالاهای خود را به آمریکا صادر میکند. امپریالیسم آمریکا میخواهد با ارزان کردن نسبی کالاهای خود در بازار جهانی، با ایجاد موانع گمرکی در مقابل کالاهای وارداتی از ژاپن و بازار مشترک و کانادا، جای کهنه خود را در بازرگانی خارجی بدست آورد، از کسری موازنه پرداختها جلوگیری کند. رقبا نیز بیکار نشسته‌اند و با آنکه در قبال رقیب قوی تر درنده‌تر مجبور به عقب نشینی‌هایی میشوند، مسلماً مبارزه را با قدرت بیشتر دنبال خواهند کرد. اگر این رقابت‌دور از مواضع ضعیف تر اقتصاد بناچار به امپریالیسم قدر قدرت دلار حمله برده‌اند، امروز از مواضع مراتب قوی‌تر راه تسلیم‌راطی نخواهند کرد. اکنون تولید صنعتی در کشورهای بازار مشترک برابر ۸۵ درصد آمریکا است. جنگ بیخون اقتصادی بین مهمترین کشورهای امپریالیستی، بنا به پیش بینی حتی خوش بینترین مفسران کشور های امپریالیستی تازه آغاز شده و در آینده شدت بیشتری خواهد یافت.

امپریالیستها میکوشند تا بحران خود را بحساب زحمت‌کشانشان خود و خلق‌های ستمدیده جهان حل کنند، بر غارتگری بیفزایند، بهای کالاها را باز هم بالاتر ببرند، مزدها را منجمد سازند، مبارزات اعتصابی را سرکوب کنند و غیره و غیره. ولی همه اینها امپریالیستها را بیشتر در سراشیب فرو خواهد برد. تب و لرز امپریالیسم در جهانی میگردد که کشورهای سوسیالیستی با سرعت در جاده اعتلاء اقتصادی و فرهنگی، علمی و هنری پیش روند و کشورهای «جهان سوم»، بویژه آنانکه راه رشد ملی و دمکراتیکی در پیش گرفته‌اند، بیش از پیش خود را از زنجیر رفیت اقتصادی و سیاسی امپریالیستی رها مسازند و جنبش کارگری و انقلابی داخل کشورهای سرمایه‌داری به موفقیت‌های تازه‌ای دست می‌یابد، عقل زیادی لازم نیست که سرانجام این روندهای بی‌امان تاریخ را حدس بزنیم.

تردیدی نیست که امپریالیستها از اسلوه‌ها و مقاصد خود دست بردار نیستند. نیز تردید نیست که روشنفکران خود فروخته باز هم «ثوریهایی» تازه خواهند یافت و خواهند یافت و احیاناً «مسکن» های تازه ای هم بدست خواهند آورد ولی سیری که تمام تاریخ سرمایه‌داری حاکی از آنست با ناگزیری به طرف نتایج جبری خود ادامه خواهد یافت.

افق های تازه‌ای گشوده میشود

تضادهای عمیق کشورهای امپریالیستی که حتی منجر به تقسیم اردو گاه بورژوازی و مقابله گروهها و دسته‌های مختلف آن با هم شده است، همیشه امکان داده است که مبارزات خلق بمرحله تازه‌تر و عالی‌تر وارد شود. با اصطلاح لنین سبیل جنبش همیشه در

داخل این شکاف ها میریزد و از آن برای پیشرفت خود استفاده میکند.

تشدید تضاد های امپریالیسم، در تغییر مستمر تناسب نیروهای جهانی بسود سوسیالیسم صلح ورهائی ملی و بزبان امپریالیسم، جنگ، استعمار و استعمار نوین این تأثیر را دارد که این تغییر را محسوس تر و سریع تر می کند. در واقع نیز یکی از عوامل مهم عقب نشینی اجباری کشورهای امپریالیستی از مواضع «جنگ سرد» همین حاد شدن رقابت های درونی آنها و بر هم خوردن اتحاد عمل دوران گذشته و نیازمندی آنها به استقرار روابط عادی با کشورهای سوسیالیستی است.

یک سلسله حوادث مهم سالهای اخیر مانند قراردادهای بین آلمان غربی از طرفی و شوروی و لهستان و جمهوری دمکراتیک آلمان از طرف دیگر و برسمت شناختن این جمهوری (که وجودش دائماً از جانب امپریالیسم انکار میشد) از طرف یک سلسله از کشور های سرمایه‌داری، سقوط حکومت دیکتاتوری نظامی یجی خان و تشکیل جمهوری بنگالادش و تحولات در پاکستان، خاتمه یافتن جنگ خونین و پلید و بربر مشانه امپریالیسم آمریکا در ویتنام و لائوس و پیروزی درخشان مردم هندوچین بر امپریالیسم آمریکا که از اهم حوادث دوران اخیر است، مذاکرات «دیپلومی» در فنلاند برای تشکیل «کنفرانس امنیت اروپا»، مذاکرات جاری در وین و هلسنکی برای تحدید تسلیحات، موفقیت های چشم گیر جنبشهای مترقی و ضد امپریالیستی در یک سلسله از کشورهای امریکای لاتین (شیلی، پرو و نیز تاحدی در پاناما، اکوادور، اورو گوئه)، بالا رفتن مقاومت خلقهادر مقابل کارتل بین‌المللی نفت که از جمله بصورت ملی کردن صنایع نفت در جمهوری عراق بروز کرده است و غیره و غیره همه و همه نمودار آنست که جهان از زمستان طولانی «جنگ سرد» خارج میشود و دوران برف گداز، دوران سیر بطرف همزیستی مسالمت آمیز فرا رسیده و امپریالیسم مجبور شده است

که با این واقعت‌ها علی‌رغم خویش تن دردهد. امپریالیسم، چنانکه سرشت متجاوز و آزمند و ارتجاعی اوست، با تمام قوا، آشکارا و نهان سعی خواهد کرد تا این جریان را تخریب کند و آنرا در مجرای دلبخواه خود بیاندازد. این نوع تقلاها شاید بتوانند از جهت موضعی و زمانی اینجا و آنجا به نتیجه های موقت نیز برسند. ولی آنچه که با اطمینان صد در صد میتوان گفت آنست که نه فقط جنگ گرم امپریالیسم علیه خلقها شکست خورد، «جنگ سرد» نیز با شکست فاحش رو برو شده است و دوران صلح در کار شروع است.

امپریالیستها در اقدامات تخریبی خود علیه صلح و همزیستی و رفع وخامت بین‌المللی اکنون سخت به سیاست ناسیونالیستی و سیطره‌جویانه رهبران چین و مشی ضد شوروی خشن آنها دل بسته‌اند. در واقع زهربران چین در گفتار و کردار با این امیدهای امپریالیستی غذای کافی میدهند.

دنباله از صفحه ۱ خرید هنگفت تازه اسلحه از امریکا

در نقشه‌های نظامی و استراتژیک امپریالیستی، برای حفظ منافع آنها، برای کمک به رژیمهای ارتجاعی، برای سرکوب جنبش مردم ایران و نهضت‌های آزادیبخش منطقه نقش داشته‌باشند. اصل مسئله در اینجا است که چنانکه عمل دولت طی سالهای اخیر بارها نشان داده است، ایران بخش متناهی از عواید نفت خود را در اختیار سوداگران اسلحه که بنا به تصریح مطبوعات امریکا بویژه پس از خاتمه جنگ ویتنام بیش از پیش دچار تنگی بازار فروش میشوند، قرار میدهد. طبیعی است که خود هیئت حاکمه با دریافت حق‌العمل کلان در غارتگری مشترک از مردم ایران شرکت مؤثر دارد.

حزب توده ایران با اعتماد به اینکه

امپریالیستها خواهند کوشید تا تناقضات درونی خود را تخفیف دهند و مانند دوران «جنگ سرد» با بر پا داشتن پرچم پوسیده و رسوا شده «آنتی کمونیسم» و «آنتی سوسیالیسم» نیروهای ارتجاعی را «متحد سازند». امپریالیستها خواهند کوشید تا با استفاده از احساسات ناسیونالیستی که یکی از ایده‌ها و لوگهای امپریالیسم امریکا برژنیسکی آنرا «قویترین عاصفه دوران ما» نامیده است در میان کشورهای سوسیالیستی و نیز در میان کشورهای اردو گاه ضد امپریالیستی مصنوعاً تفرقه و نفاق بیاکنند و آنها را تضعیف کنند.

در درون جنبش‌رهای بخش کشورما نیز تلاشهای تخریبی امپریالیستی و مائوئیستی مسلماً انعکاس خواهد یافت.

این حقایق حاکی از آنست که راه پر از فراز و نشیب و دشواری در پیش است و هنوز مساعی و مجاهدات فراوانی لازم است تا صلح پایداری در جهان تأمین گردد. ولی در دوران ما افق‌های تازه‌ای در برابر خلقها گشوده میشود و امکانات خلقها برای مبارزه دوچندان میگردد. زیرا اگر خصیصه دوران «جنگ سرد» وسعت امکانات

امپریالیستها بویژه امپریالیسم دلار برای استقرار «نظم» خود بسود سرمایه‌داران و ملاکان بود، خصیصه دوران کنونی وسعت روزافزون امکانات نیروهای سوسیالیستی و مترقی برای کمک به جنبشهای انقلابی و رهاگی بخش، برای عقب زدن نیروهای ارتجاعی، برای یاری رساندن مؤثرتر به صلح و دمکراسی است. یک مطلب مسلم است و آن پایان مثبت این مساعی و مجاهدات است:

حزب ما تمام سیاست خود را بر درک صحیح وضع جهان و ایران مبتنی کرده‌است و با استواری بر اساس این مشی علماً تنظیم شده گام برمیدارد و بی آنکه پندار باطلی در باره یک سیر آسان و آرام و بی‌رنج داشته باشد، به پیروزی نهائی آرمانهای خود باوری چون کوه استوار دارد و بر آنست که مبارزه همه جانبه و پیگیر مردم ایران میتواند در این دوران امپریالیسم و ارتجاع را با ناکامی روبرو کند و استقلال و دمکراسی را تأمین نماید

۱. سپهر

قابطه مردم ایران این سیاست را طرد و محکوم میکند، باین روش که مخالف صریح مصالح ملی ماست بشدت اعتراض دارد و از هوطنان عزیز دعوت میکند بفر نحو که میتوانند عدم رضایت و اعتراض خود را ابراز دارند. و در مقابل این سیاست با تمام قوا مقاومت ورزند. باید دستهای غارتگر را باز داشت و الا غارت دو گانه از منابع نفت و از راه خرید اسلحه رمقی برای کشوری که نیاز به پیشرفت دارد باقی نخواهد گذاشت و مشکلات ما را باز هم بیشتر خواهد کرد.

هیئت اجرایی کمیته مرکزی

حزب توده ایران

۱۰ اسفند ۱۳۵۱

دنباله از صفحه ۱

صد و بیست و پنج سال از انتشار مانیفست میگردد

و ۳۰ قرن حاضر ترجمه شد. حزب ما نیز به ایجاد ترجمه‌های تازه ای از مانیفست دست زد. این کتاب در تربیت نسلهای مختلف انقلابیون ایران نقش شایسته خود را ایفا کرده است. احکام مانیفست اکنون نیز سر رشته‌های مهمی برای تحلیل جامعه سرمایه داری ایران و تعیین وظائف پرولتاریای کشور ما بدست میدهد.

امروز پس از ۱۲۵ سال از همیشه روشن تر است که اندیشه‌های بزرگ مانیفست بشکل نهائی در تاریخ پیروز خواهد شد. اردو گاه سوسیالیستی و در مرکز آن اتحاد شوروی، جنبش انقلابی کارگری، جنبش‌رهای بخش ملی، جنبش عظیم نیروهای مترقی و صلح در جهان ما دمدم بکامیاب یبهای تازه بتازه میرسند و جاده عدالت بسود اکثریت بشریت بیش از پیش هموار میگردد.

رادیو پیک ایران را

بشنوید!

رادیو پیک ایران همه روزه از ساعت ۶ تا ۷ و ۵۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ردیف ۲۵ و ۲۶ و ۳۱ متر بزرگهای کردی، آذربایجانی و فارسی برنامه پخش میکند. عین همین برنامه از ساعت ۷ و ۵۰ دقیقه تا ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه بعد از ظهر بوقت تهران مجدداً تکرار میگردد. رادیو پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله پیکار شرح زیر است:

Sweden

Stockholm

Stockholms Sparbank

N: 0 400 126 50

Dr. John Takman

با سری افراخته در برابر تاریخ

حاکمه میافزاید و آینده را جز آنطور که برای خود ترسیم میکرده اند، در نظرشان مجسم میکند. ما این حملات خشن و زننده شاه و دستگاههای تبلیغاتی او را به حزب، اعتراف صریح به نیروی معنوی حزب ما، تأثیر روز افزون سیاست و فعالیت و صحت مشی انقلابی اش میدانیم.

حملات مرتجعترین محافظ هیئت حاکمه به حزب توده ایران در عین حال پرده دودی است برای مستور ساختن آن اقدامات دولت در عرصه سیاست اقتصادی، خارجی و داخلی، که از دیده مردم ایران محکوم است و وسیله ایست برای منحرف کردن نظر مردم ایران از مسائل حاد و مبرم اساسی. از آنجمله در این ایام که باز یک خرید دو میلیارد و صد میلیون دلاری اسلحه از آمریکا انجام میگردد و قرار است سیصد کارشناس نظامی آمریکایی برای تعلیم این اسلحه بایران بیایند، چنین سرو صداهائی وسیله ای است برای باصطلاح توجیه سیاست غیر قابل توجیه نظامیگری بی بند و بار رژیم و غارت ثروت ملی ما. بجای آنکه دشمن اصلی خلق ما یعنی امپریالیسم غارتگر و اسارتگر افشاء شود و آماج مبارزه قرار گیرد، بجای آنکه مسائل و معضلات واقعی جامعه ایران مطرح شود، با ایجاد شبح وحشتناک از حزب توده ایران میخوانند افکار رامشوب کنند.

حزب ما مدتهاست که بوسیله مطبوعات و نشریات و رادیوی خود (رادیوی بیک ایران) خط مشی ملی و دموکراتیک خود را در قبال مشی ضد خلقی و ضد دموکراتیک رژیم ایران عرضه میدارد.

حرف حسابی ما چیست و ما چه میگوئیم که چنین مورد تاخت و تاز نیروهای ارتجاعی قرار میگیریم؟

ما میگوئیم دست امپریالیسم باید از ایران کوتاه شود، قانون ملی کردن صنایع نفت باید تمام و کمال اجراء گردد و دست غارتگر کنسرسیوم از منابع عظیم این ثروت مهم ملی ما کوتاه شود و درآمد نفت صرف ترقی اقتصادی و فرهنگی کشور شود، نه صرف خریدهای جنون آمیز تسلیحاتی. ما میگوئیم ایران باید از پیمان تجاوزکارانه سنتو خارج گردد. قرار داد های نا برابر و اسارت آور نظامی و اقتصادی با امپریالیستهای آمریکا و انگلوس را لغو کند و سیاست صلح آمیز و همزیستی و دوستی و همکاری با همه کشورهای و سیاست بیطرفی را در پیش گیرد و روابط ایران با کشورهای سوسیالیستی که خود هیئت حاکمه ایران به ثمر بخشی آن بارها اعتراف کرده است بیش از پیش بسط یابد. تنها چنین سیاستی است که میتوان آنرا ملی و مستقل نامید. ما مخالفیم که کشور ما از سوئی ارز خود را دستخوش تاراج امپریالیستها میکند و از سوی دیگر وامهای اسارت آور میگیرد و میدان سرمایه گذارهای غارت گرانه امپریالیستی را باز میگذارد.

از چندی باینطرف در دستگاه تبلیغاتی رژیم و از آنجمله رادیو ایران حملات مکرری به حزب توده ایران انجام میگردد. این حملات در دوران اخیر بدنبال اظهارات شاه انجام گرفته که در سوم بهمن ماه سال جاری ضمن بیانات خویش در مجمعی بنام «کنگره ملی» به مجاهدان حزب ما تحت عنوان «توده ایهای بیوطن» تاخته و حوادثی را که مایل بوده بشکل ادعائی و دلخواه و بغایت این باصطلاح «توده ایهای بیوطن» مربوط ساخته است.

گویند گان رادیو ایران نیز بشیوه شاه، مبارزان حزب ما را «بیوطن»، «تجزیه طلب» و «خان» خواندند و بدانجا رسیدند که گفتند که اصلاً آنها ایرانی هم نیستند! روشن است که در این اظهارات ادعا، دشنام و دروغ جای استدلال منطقی، اسناد تاریخی و مناظره سیاسی از روی فرهنگ و نزاکت را میگیرد و در واقع نیز از سخنگویان رژیم که به خونخواری و شکنجه گری در سراسر جهان شهرت یافته است انتظار روشی جز این خطاست.

علت این حملات مکرر و مستمر سخنان گویان مرتجعترین محافظ هیئت حاکمه ایران به حزب ما چیست؟ علت اساسی سراسیمگی آنها از تحول وضع است که آنرا با انتظار رات و اوهم خویش منطبق نمی یابند. در واقع تحول وضع جهان یعنی قوت روز افزون اردو گاه صلح و سوسیالیسم و رشد و گسترش بسابقه جنبشهای انقلابی و رهائی بخش درینج قاره جهان و شکست استراتژی جنگ سرد و تشدید بسابقه تناقضات درونی کشورهای امپریالیستی و نیز تحول وضع منطقه و بسط نهضت مترقی در کشورهای مجاور ایران همراه با تحول وضع ایران و ناکامی رژیم برای جاب مردم ایران همه و همه در آن جبهتی نیست که برای سران رژیم تسلی بخش و امید انگیز باشد.

در این میانه وضع حزب ما و پایداری او علیرغم همه دشواریها و استواریش در برابر سران رژیم را نگران میکند. آنها بارها این حزب را منحل شده و نابود شده اعلام داشتند و تصور میکردند که با بازیهای سیاسی مختلف سرانجام خواهند توانست این حزب را منفرد کنند و او را برای ابد به بایگانی تاریخ بسپارند. حال با تخریب و تأسف مشاهده میکنند که چنین تصوراتی باطل از آب درآمده است. بویژه آنکه در دوران اخیر، ماوراء چپ و ماجراجویانه، توجه نسبت به صحت مشی اصولی استوار و انقلابی حزب توده ایران در میان زحمتکشان کشور و دیگر قشرهای جامعه ایران بیش از پیش در کار بدید شدن است. شعارهای درست حزب ما که حاکی از سرسختی اصولی و انقلابی او همراه با نرمش واقع بینانه است بتدریج دامنه نفوذ عمیقتری کسب میکند. این عامل مهمی است که بر نگرانی مرتجعترین محافظ هیئت

هیئت تحریریه ماهنامه مردم هشتم مارس، جشن جهانی زنان و روز مبارزه زنان سراسر کیتی را بخاطر برابری حقوق، آزادی و استقلال مین به زنان و دختران ایران صمیمانه شادباش میگوید و پیروزی نهائی آنان را در مبارزه برای برابری واقعی و رهائی کشور از تسلط شوم امپریالیسم و ارتجاع آرزومند است.

راه گریزی نیست.

مردم ایران و مردم جهان رژیمهای از نوع رژیم کنونی ایران را خوب میشناسند و وقتی مسئله بر سر قضاوت بین انقلابیون یک کشور و مرتجعان شکنجه گر و همکار امپریالیسم باشد، موضوع روشن است که بیوطن و خائن کیست و نیازی نیست که ما در این باره احتجاجی بکنیم و ابداً نگران نیستیم که دشنام گویی رژیم شناخته شده، ذهن کسی را مشوب کند. بعلاوه تکامل حوادث در جهان بیش از پیش عناصر ماوراء ارتجاعی را منفرد میسازد و برای خط مشی هائی که مبتنی بر درک بیشتر واقعتهای عینی است میدان پیشرفت ایجاد میکند. ما مطمئیم که عناصر واقع بین تر در طبقات حاکمه ایران نیز بی سر انجام بودن روشهایی از این قبیل را که از کینه حیوانی و قضاوتهای سیاه ماوراء ارتجاعی سرچشمه میگیرد درک میکنند. ما مطمئنیم که چنین روشهایی در جهان ما سرانجامی جز شکست ندارند.

حملات کین جویانه هیئت حاکمه به حزب ما در عین حال بهترین پاسخ به آن جمله پردازان ماوراء چپ مائوئیست است که مایلند حزب ما را به سازش با رژیم متهم کنند. واقعیات این اتهام ردیلا نه را بارها رد کرده و رد میکنند، ولی ما مطمئنیم که چپ روها علی رغم این واقعیات این اتهام را باز تکرار خواهند کرد زیرا تنها سرمایه این دکان ورشکست چپ گرایی همین است که کشورهای سوسیالیستی را به «امپریالیسم» و احزاب مارکسیستی - لنینیستی را به «روزیونیسم» متهم کنند! تمام وجود و زندگی آنها بهمین دروغهای زشت بسته است و البته این خود زندگی بس حقیرانه و ناپاکی است ولی این گناه ما نیست که کسانی چنین زندگی را بر خود پسنندیده اند.

توده ایها با سری افراخته در جاده تاریخ پیش میروند. آنها به مشکلات عظیم کار در حال و آینده واقفند، از گذشته پرحوادث بند میگیرند و بحال و آینده که کمتر از گذشته پرحادثه و بغرنج نیست با واقع بینی انقلابی برخورد میکنند و در جاده خط مشی اصولی خود بی تزلزل و استوار پیش میروند و به پیروزی نهائی آرمانهای خود بیش از همیشه باور دارند.

با این آدرس با رادیو بیک ایران،

ماهنامه مردم، مجله دنیا، مجله مسائل بین المللی و مجله بیکار مکاتبه کنید!

P. B. 49034

10028 Stockholm 49

Sweden

ما میگوئیم در کشور ما باید آزادیها و حقوق دموکراتیک طبق قانون اساسی استقرار یابد و به استبداد و تسلط ساواک و دادگاههای در بسته نظامی و شکنجه و اعدام و تضییقات بی بند و بار پایان داده شود. ما میگوئیم در ایران باید اصلاح ارضی رادیکال بسود دهقانان عملی شود. از استثمار شدید سرمایه داران خارجی و داخلی و غارتگری آنها و حکومت بیرحمانه پول و امتیاز و فشار دستگاه بوروکراتیک دولت جلوگیری بعمل آید و وضع زحمتکشان بویژه کارگران و دهقانان از جهت مزد، مسکن، بهداشت، تحصیل، کار، استراحت بهبود اساسی یابد و حق همه خلقهای ایران برای اداره خود مختارانه امور خود در چارچوب مین واحد تأمین گردد.

آیا این شعارهای صحیح و عادلانه و موافق مصالح مردم ایران و مقتضیات تاریخ و مطالبات تکامل جامعه ایران هست یا نه؟ بدون شك آری. ولی اعلام همین شعارهای حق و عادلانه که از همان آغاز تأسیس حزب توده ایران در دستور مبارزه او قرار گرفت، کین حیوانی و بی پایان امپریالیسم و ارتجاع را متوجه ما ساخت. این کین خاموش نشدنی کماکان ادامه دارد.

هیئت حاکمه ایران در سالهای اخیر مجبور شد در قبال برخی از این شعارها که خواست مردم ایران است به بعضی از عقب نشینیهای محدود دست بزند. این عقب نشینیهای محدود اعتراف به صحت و عدالت خواستهای حزب ما و مردم ایران است. ولی این عقب نشینیهای محدود بهیچوجه پاسخگوی مطالبات حقه مردم نیست و لذا مبارزه مردم قطع نشده و قطع نخواهد شد. هیئت حاکمه احساس میکنند که در دوران ما شعارهای عادلانه حزب ما که منطبق با خواستهای اکثریت مطلق اهالی کشور ماست بی امان راه خویش را به پیش میگشاید و روز بروز امکان تحقق این شعارها بیشتر میشود. هیئت حاکمه علی رغم ثروت و قدرت کنونی، ارتش، ساواک، زرق و برق قرون وسطائی انبوه چاپلوسان و بردگان در درون خود احساس ضعف و یأس میکنند و با اضطراب به آینده مینگرد. سخنرانی شاه در دانشکده پدافند ملی درباره تبدیل ایران به «سرزمین سوخته» خود تظاهر این نگرانی و سراسیمگی است. بر عکس ما و همه مبارزان راه حق، با همه ناکامیها که متحمل شده ایم و با همه دشواریهای گوناگون که با آنها مواجه هستیم در درون خود احساس قوت و امید میکنیم و با اطمینان به آینده مینگریم. از جهت همین دید تاریخی است که هیئت حاکمه با همه هاهو و دشنام دهی و نعره کشی خود پدیده ای است محکوم و از این محکومیت او